

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ

قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

مساله ای را دیشب (ضبط نشده است) عرض کردم راجع به وضو، چون مساله حساس است تکرار می کنم، اگر برخی از عزیزان حضور نداشتید مطلبی را به مطلب دیشب اضافه و بیان می کنم.

بیان احکام

دیشب گفتیم که در وضو؛ این طور نیست که وضو از شستن دستها شروع شود، وضو از شستن صورت شروع می شود؛ یعنی اولین عضوی از بدن که در وضو باید شسته شود، صورت است؛ و لذا وقتی دست راست یا دست چپمان را برای وضو شستشو می‌دهیم باید تا سر انگشتان دست کشیده شود و آب برسد. به آن شستن اول قبل صورت نباید اکتفا شود. و بعد عرض کردم که در وضو و غسل و حتی تیمم حساسیت مساله این است که اگر کسی مدتی اشتباه کند بعدا باید قضا کند ممکن است ده سال یا بیست سال وضو را اشتباه انجام داده است، باید بعدا نماز را قضا کند و این گونه نیست که مثل حمد اگر اشتباه می خوانده است، و حواسش نبوده، قضا نداشته باشد. نسبت به طهارت وضو و غسل، نسبت به قبله نسبت به وقت و نسبت به رکوع و نسبت به سجده این پنج مورد، این ها را اگر در نماز خراب کرده باشد، اشتباه کرده باشد و درست انجام نداده باشد باید نماز را دوباره بخواند. ولی در رابطه با بقیه ذکرهای نماز اگر احیانا اشتباه کرده باشد و فکر میکرده درست انجام می داده، قضا ندارد... و اما مطلبی که امشب مناسب است محضر شما عرض کنم مخصوصا خواهران محترم توجه کنند در ادامه همین بحث وضو بسیاری مواقع دیده می شو دکه واقعا برخی مراعات نمی کنند مثلا خانم

ناخنها را لاک زده است یا مثلاً آقایان دستشان به یک چیزی آلوده است که نمی‌گذارد آب به پوست بدن برسد، یا خانمی ناخن کاشته است، این‌ها اشکال دارد. حالا یک کسی این‌ها را قبول ندارد که ما با او کار نداریم که طرف نه نماز می‌خواند نه این موارد برای او اهمیت دارد!!

من در جایی قبلاً گفته بودم که: نمازگزاران! نماز ناموس خداست... این جمله را در ذهنتون بسپارید. دوست دارم ضبط شود: نماز ناموس خداست... و هر فردی نسبت به ناموس خودش حساس است و نسبت به آن حساس است و بی‌اعتنا نیست... شما ببینید خدای متعال نسبت به نماز چه دستوراتی را میدهد... حتی وقتی انسان می‌تواند به دلیل مریضی بیش از حد و عجز صرفاً در ذهنش نماز بجا آورد... این بیانگر غیرت الهی و حساسیت خداوند نسبت به نماز است. حتی بدون وضو و بدون تیمم بدون طهارت، خیلی از فقها معتقدند در هر حالت به این شکل باید خوانده شود و حتی اگر بازهم امکانش نبود، باید بازهم قضای آن را بجا آورد.

حتی برخی سوال کرده بودند راجع به کادر درمان بیمارستان که برخی از آن‌ها از ساعت هشت شب، باید با لباس و با ماسک مخصوص، با صورت پوشیده و اصلاً امکان این هم نیست که بخواهند لباس را تعویض کنند یا به جهت وضو تغییر وضعیت دهند، عرض کردم این‌جا، فقهای هستند که معتقدند بعداً باید قضا کند در صورتی که احتیاط این هست که در همین حالی که نه وضو و نه تیمم دارد، نماز را بخواند و بعداً نماز را قضا کند.

در خصوص آب وضو که باید به بدن برسد، ضابطه این است که هر چیزی که نگذارد آب به بدن برسد، باید از بین برود. مثلاً یک کسی می‌رود خالکوبی میکند، خالکوبی جوهر است درست است که ممکن است بگوییم عقلاً، آب به پوست نمی‌رسد، ولی عرفاً می‌گویند پوستش را طرف در وضو شست چون آب به منافذ پوست راه می‌یابد. یا خانمی موی سرش را رنگ می‌کند، از نظر عقلی درست است این‌ها ممکن است آب نگذارد به بین پوست برسد ولی در هر حال این‌ها رنگ است مثل جوهر خودنویس هست، شما وقتی رای می‌دهید و ممکن است سر انگشت همچنان جوهر بماند، این‌ها برای وضو اشکال ندارد... اما چیزی که مانع شود که آب به پوست برسد مثل چربی مثل رنگ یا لاک یا ناخن اضافه این‌ها را باید از بدن جدا و ازاله کرد و وضو و تیمم و غسل کند...

دعای بسیار بزرگی است و آن این که : خدایا ما را از نماز گزاران و در صف نماز گزاران قرار بده ... به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.....

اصول اخلاق اجتماعی؛ اصل اول : حسن خلق

موضوع بحث ما اصول اخلاق اجتماعی است به مناسبت اخلاق اجتماعی من بحث حسن خلق را مطرح کردم و دو روایت هم از پیامبر اسلام بیان کردم؛ راجع به حسن خلق، دوست دارم امشب دقت کنید شاید جایی هم دیده یا نوشته نشده باشد؛ دقت فرمایید.

ما دونوع حسن خلق داریم در واقع یک نوع، حسن خلق فردی است و نوع دیگر، حسن خلق اجتماعی است، عرض کردم تا جایی این موضوع اهمیت دارد که پیامبر فرمودند حسن خلق نصف دین است.... یا فرمودند چیزی در کفه ترازو گذاشته نمی شود افضل از حسن خلق... اما مطلبی که امشب می خواهم عرض کنم این است که حسن خلق گاه فردی است...

ببینید یک تفسیری داریم از پیامبر عظیم الشان راجع به حسن خلق، پیامبر می فرمایند : **إِنَّمَا تَفْسِيرُ حُسْنِ الْخُلُقِ**: ما أَصَابَ الدُّنْيَا يَرْضَى وَ إِنْ لَمْ يُصِبْهُ لَمْ يَسْخَطْ؛ تفسیر خوش اخلاقی این است که اگر دنیا به انسان رو کرد، راضی و خشنود باشد و اگر رو نکرد خشمگین و ناراحت نشود.

من قبل از این که این روایت را برای شما توضیح دهم یک سوال از شما می کنم و آن این که من و شما نسبت به اقبال و ادبار دنیا چه حالی داریم؟ کسی نمی خواهد کسی را گول بزند... قاعده اش این است که تمام ما ها تا این جای کار، گاه دنیا اقبال داشته و گاه ادبار... چه حالی انسان در هر دو حالت داشته است؟! رسول خدا می فرمایند برخی ها، به جایی میرسند که اگر دنیا بیاید، راضی اند ان اصحاب الدنيا یرضی و اگر دنیا پشت کند، لم یسخط.... داستانی هست که خانمی شوهرش مسجد رفته بود و فرزندش از دنیا رفت، وقتی شوهر به خانه آمد، اصلا چیزی نگفت ما میدانیم که مادران چه حالتی دارند وقتی فرزند از دست می دهند و این کار کمی نیست که

کسی زبان به جزع و فزع باز نکنند...یک جوری رفتار کرد که شوهر متوجه نشود، تا صبح شد و صبح شد از شوهرش پرسید اگر کسی امانتی به شما بدهد و بعد مدتی آن امانت را از شما بگیرد، چه کار میکنی؟ شوهر گفت باید به این شکل باشد که نه وقتی داد خیلی خوشحال شوم و نه وقتی می خواهد امانت را بگیرد..زن گفت: خدای متعال دیشب امانتی را که دو سه یا چهار سال پیش به ما داده بود، فوت کرد. این حسن خلقی را که به حدیث رسول خدا استناد کردم و گفتم این حسن خلق فردی است. یعنی انسان می تواند به جایی برسد که به آن مقام رضا و تسلیم می گویند مقام اطمینان؛ آیه ای در قرآن داریم که : لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ مردم باید به این جا برسید که لا تأسوا علی ما فاتکم...به هر حال زندگی مرگ دارد، فراق دارد، داغدار شدن عزیز دارد انسان نباید از مقام رضا خارج شود، و در نقطه مقابل هم انسان مثلا صد میلیون به دارایی اش اضافه می شود مست و مغرور می شود در انتخابات شرکت می کند و موفق می شود یاو بعد مغرور و از خود بیخود می شود ؛ چقدر انسان باید کودکانه فکر کند چقدر باید ظرفیت وجودی محدود داشته باشد که به اقبال دنیا ، سر مست و مغرور شود!!خبری نیست ...به هر حال ما باید اعتقاداتمان را اصلاح کنیم یک مقدار انسان باید خودسازی کند، ما گاهی خودمان و اعتقاداتمان یادمان نرود و الا دنیا چه هست که انسان بخواهد به این گونه جزئیات دل ببندد...

شاعر می فرماید: دل بر این پیرزن عشوه گر دهر مبند

کاین عروسی است که در عقد بسی داماد است.

یک روز انسان می آید و یک روزی هم می رود ، یک روزی میدهندو یک روزی هم می گیرند....عجیب هم بازیچه است.

اگر انسان باورش را اصلاح کند، و در اینحالت چقدر هم انسان راحت می شود انسان اگر به مقام رضا و تسلیم برسد، برایش ناهمواریهای دنیا قابل تحمل میشود؛ طرف یک داغی که می بیند نابود می شود ولی آیا مومنان سترگ، اندیشمندان هم این طورند؟

جالب هم این است که به وقت خوشحالی بیش از حد و یا ناامیدی و ناراحتی بیش از حد گفته اند که به قبرستان بروید، برای تعادل بخشی به روح و روحیه انسان.... در هر صورت پیامبر فرمودند این حسن خلق است که انسان به جایی برسد که اگر از او گرفتند خودش را نبازد و اگر رسید، بگوید رسیده است و خیلی سرمست و مغرور نشود..... انشاءالله ادامه مطلب را فرداشب با هم خواهیم داشت.

شب هفتم محرم است شب مصیبت و عزاست امشب را یاد کنیم از بانوی بزرگ کربلا سلام الله علیک یا عقيلة بنی هاشم... سلام الله علیک یا زینب کبری... عجیب است؛ مگر یک زن چقدر تحمل دارد؛ برادرش را به شهادت رساندند، آن هم آن برادر! و به آن شکل، شهادت ابوالفضل را مشاهده کرده است. همین طور فرزندان خودش در کربلا به شهادت رسیدند... آیا زینب کبری نمونه دوم دارد؟! بسیار بعید می دانم... که در دنیا کسی به اندازه این بانو مصیبت دیده باشد... مقام رضا و اطمینان را ببینید وقتی آن جوانک مست عبیدالله بن زیاد، می خواهد به او زخم زبان هم بزند، به زینب گفت: دیدید خدا با شما اهل بیت چه کرد؟!.....

من بارها گفتم، به مقدسات قسم اگر ده ها عالم جمع می شدند، نمی توانستند چنین جمله ای بگویند که فرمود: ما رایت الا جمیلا؛ ما جز زیبایی را از خدای بزرگ ندیدیم.

الا لعنة الله على القوم الظالمين

و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ينقلبون